

نسیمی که از فراز کوهها می‌وزد خبر از غرش طوفان در دریا دارد خیزش و تظاهرات میلیونی مردم ایران در اواخر خرداد 88 در اعتراض به تقلب و نتایج حاصله از مضحکه انتخابات ریاست جمهوری حاصل فوران خشم فروخورده مردمی بود که در اولین فرصت بدست آمده در ابعاد میلیونی آنرا به نمایش گذاشتند. روزهای بیاد ماندنی از مبارزات مردمی که نشاندهنده نفرت عمیق آنان از رژیم حاکم در ایران و خواست بر حق آنان برای آزادی و دموکراسی است. این مبارزات در مدت کمی چهره جنایتکار و سرکوبگر این رژیم را به همه جهانیان نشان داد و موج عظیمی از ابراز همبستگی و پشتیبانی با مردم آزادی‌خواه ایران را در سراسر جهان بدنبال داشت. نسیم نویدبخش کنونی در عین حال یادآور قیامی است که سی سال قبل در ایران به دیکتاتوری شاهنشاهی پایان داد اما به علت ضعف نیروهای سکولار و آزادی‌خواه و برابری طلب و همچنین اوضاع ویژه جهانی در آن زمان، رهبری قیام به دست نیروهای سیاه، ضددموکراتیک، زن ستیز و فناتیکی افتاد که از همان روزهای نخست به کشتار انقلابیون، آزادیخواهان، دگراندیشان و سرکوب مبارزات خلق های ایران پرداخت. دانشگاهها را تعطیل، آموزش و پرورش را تصفیه، تشکلات مستقل کارگری را ممنوع و زنان را به شهروندان درجه دو تنزل داد. جنگ خانمان سوزی را با رژیم جنایتکار عراق 8 سال ادامه داد که به کشته و زخمی شدن میلیونها نفر منجر شد. جنگی که خمینی آنرا موهبت و رحمت الهی و ادامه آنرا تا تصرف قدس از راه کربلا خواهان بود. کشتار و قتل عام هزاران زندانی سیاسی در سال 67 به فرمان خمینی از دیگر جنایات این رژیم ضد بشری اسلامی بود. اینها گوشه هایی از تاریخچه این رژیم هستند. در آن سالها مقوله ها و اصطلاحاتی از قبیل اصول گرا و اصلاح طلب وجود نداشت. کشتار مخالفان و دگراندیشان را همگی و در وحدت کلمه با هم انجام میدادند. کسی از آنان نبود که به دستگیری، شکنجه، تجاوز جنسی و... اعتراض بکند. و اکنون هم این گذشته جنایتکارانه مورد انتقاد هیچ کدام از آنان نیست.

علی رغم سرکوب وحشیانه تظاهرات مسالمت آمیز مردم ایران و کشتار، دستگیری، شکنجه، تجاوز جنسی به زندانیان مرد و زن، محاکمات نمایشی و فرمایشی و اقرارگیری هایی که تحت شکنجه حاصل گردیده اند؛ مردم مبارز به دست آوردهای تعیین کننده و چشمگیری نایل آمده اند که می توان به چند جنبه مهم آن در اینجا اشاره نمود: ولایت فقیه و مشخصا خامنه ای چهره دمنش خود را بطور عیان به همگان نشان داده و کاملاً زیر سوال رفته، رییس جمهور آن با تقلب و پشتیبانی خامنه ای و سپاه پاسداران در قدرت مانده و حقانیت صوری خود را هم از دست داده است. میان حاکمان که در سه دهه گذشته متفقاً و یا متتوباً اهرم های حکومتی را در دست داشته اند شکاف عمیقی بوجود آمده و همبستگی مجدد آنان را بسیار مشکل نموده است. چهره واقعی رژیم در انظار و افکار جهانی افشا و به همبستگی آنان با مردم ایران منجر گردیده است. اینها همگی دستاوردهای با ارزشی هستند که نوید دهنده خیزش های عظیم تری در آینده اند. پشتیبانی وسیع ایرانیان خارج از کشور و تشکیل همین جمعیت را نیز باید در همین رابطه ارزیابی کرد. وضعیت فعلی دستاوردهایی را هم برای کشورهای غربی به ارمغان آورده که در مذاکرات و معادلات آتی با سران جمهوری اسلامی آنان را به گرفتن امتیازات بیشتری یاری میدهد. مسلماً هر شکلی از جمهوری اسلامی که منافع استراتژیک، اقتصادی و سیاسی غرب را تامین نماید مورد قبول و پشتیبانی آنان بوده و مדיاهای فارسی زبان آنان در این راستا عمل میکنند. يك انقلاب توده ای و سقوط کل نظام با عواقب غیر قابل پیشبینی، آلترناتیوی مناسب برای آنان نیست. مردم ایران اما، خواهان سقوط رژیم و استقرار نظامی مردمی حافظ منافع خود هستند. نظامی که در عین تحقق مطالبات آنان، دارای روابط مسالمت آمیز و برابر با همه کشورهای جهان است.

در خیزش و تظاهرات عظیم مردم ایران افشار و توده های متعلق به جنبش های مختلف اجتماعی از قبیل زنان، کارگران، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان و غیره و البته بطور پراکنده و فردی و نه بصورت متشکل و با خواسته های مشخص و روشن، شرکت داشتند. این از کمبودها و ضعف های اساسی آن است. برای اینکه این جنبش و توده های معترض ابزار به قدرت رسیدن حکومت غیر مردمی و سرکوبگر دیگری نشود، باید جنبش های اجتماعی بصورت متشکل و متحد به میدان آمده و خواسته های مستقل و فوری خود را در دستور روز بگذارند. زنان ایران دیگر راضی به چند رفز و تغییر مثبت به نفع خود و آنهم در چهار چوب قانون اساسی ضد زن اسلامی نیستند بلکه خواهان الغای آپارتاید جنسی و برابری کامل زن و مرد در همه زمینه ها هستند. کارگران خواهان تشکلات طبقاتی، صنفی و مطالبات سیاسی خود هستند و میتوانند نقش تعیین کننده ای در معادلات و خیزش های آتی داشته باشند. دانشجویان مبارز خواهان مطالباتی هستند که بسیار فراتر از چهار چوب دانشگاه ها هستند. جوانان که از همه چیز محروم شده اند خواسته های بر حقی دارند که بدون قید و شرط باید تحقق یابند و غیره. از وظایف پیشروان و فعالین این جنبش ها است که با جمعبندی و ارزیابی دقیق دستاوردها و نقاط ضعف تاکنونی، در مبارزات آتی متشکل و هدفمند و در پیوند مبارزاتی با همدیگر رهبری جنبش واقعی آزادی خواهی و برابری طلبی را بدست بگیرند. با وجود تعمیق و تضاد جدی جناح های حکومتی این امکان همیشه هست که منافع پایه ای مشترک و اصل نجات رژیم، آنها را ملزم به سازش و مصالحه با همدیگر بنماید و سپس مشترکاً مردم را به رعایت قانون و پیروی از نظام دعوت کنند. فعالین و پیشروان جنبش های اجتماعی و بطور عموم مردم مبارز، آگاه و برابری طلب، ضمن استفاده آگاهگرانه و هوشیارانه از تضادهای موجود،

باید بطور جدی در زدودن توهمات نسبت به جناحهای حکومتی و بطور کلی هر جریانی که خواسته های مردم را به آینده موکول می نماید بکوشند. این وظیفه دشوار و تعطیل ناپذیر باید بطور مستمر در دستور کار باشد. اتحاد مردم باید در حول مطالبات روشن و بدون ابهام صورت گیرد. جمع شدن زیر پرچم و رنگی که خواسته های آن مشخص نیست و همه چیز را موکول به آینده مینماید هیچ ارمانی برای مردم و جنبش های اجتماعی در بر ندارد. بعنوان مثال « راه سبز امید » آقای موسوی دارای برنامه ای مدون نیست. خواسته هایش لغو انتخابات ریاست جمهوری، پایبندی به حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی و خود را رهروان راستین خط خمینی و جمهوری اسلامی را بدون یک کلمه کم و یا زیاد می خواهند حفظ کنند. این خواسته ها هدفش نجات نظام اسلامی در لوای اصلاح طلبی است. ما به همراه مردم آزادی خواه با هر تلاش و حرکتی که در جهت تثبیت و نجات نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی باشد، مخالفیم. حال اگر این تلاش با پرچم و رنگ سبز و یا هررنگ دیگری باشد. این رژیم با قانون اساسی ضد زن، ضد کارگر و ضد هرگونه آزادی و دموکراسی و ... که مشخصه های اسلام سیاسی هستند، قابل اصلاح نیست. مردم آزاده و مبارز خواهان سقوط کل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی با همه جناح های آن هستند. توده های وسیعی از مردم ایران یک بار فریب وعده های آسمانی و فرستادگان آنرا خوردند و بیهای سنگین آنرا با خون صدها هزار از فرزندان این مملکت پس دادند و هنوز هم میدهند. این تجربه نباید تکرار گردد. مردم خواهان نظامی سکولار یعنی نظامی مدنی و متکی به قوانین عقلی و دنیوی که در آن دین کاملاً از حکومت جدا و مذهب امر خصوصی افراد است، می باشند.

برای پشتیبانی از مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران و برای انعکاس آن و همچنین جلب پشتیبانی هر چه وسیعتر مردم آزاده، ما جمعی از ایرانیان شهر کاسل در کشور آلمان به تشکیل این جمعیت مبادرت ورزیده و با توجه به نکات و مواضع ذکر شده در بالا، مطالبات مشخص و روشنی را که در زیر به آن اشاره خواهد شد و بخش حداقلی از مطالبات مردم آزادیخواه و مبارز ایران است؛ مبنای فعالیت خود قرار داده و سعی خواهیم کرد به اشکال گوناگون در انعکاس بیرونی این خواسته ها کوشیده و بدین وسیله همبستگی خود را با مردم ایران در داخل اعلام داریم:

- سرنگونی جمهوری اسلامی
- آزادی کلیه زندانیان سیاسی
- برابری کامل زن و مرد
- آزادی کامل بیان، اندیشه، مطبوعات، تجمعات، احزاب سیاسی و اتحادیه ها
- جدایی دین از دولت
- لغو مجازات اعدام
- ...

این تشکل می تواند ظرف اجرایی و هماهنگ کننده مبارزاتی مناسبی برای آکسیون های معین و برای طیف وسیعی از مردم مبارز، آزادی خواه، چپ و رادیکال با تعلقات حزبی گوناگون باشد. ما خواهیم کوشید با درک ضرورت و در زمان مناسب، آکسیون های مشخصی را در دستور کار خود بگذاریم.

ما از پیوستن، همکاری و پشتیبانی ایرانیان شهر کاسل و حومه و بطور کلی همه انسان های آزادیخواه که خود را با این اهداف همسو مبینند استقبال می نماییم. یک جمعیت منسجم و فعال قادر خواهد بود با تشکلات موجود شهرهای دیگر آلمان که در این راستا دارای فعالیت هستند، ارتباط برقرار نموده و بدین طریق در بعد وسیعتری تاثیرگذار باشد. برای ارتباط، پیوستن، همکاری، راهنمایی و ... با E-Mail ما تماس بگیرید. در ضمن از دریافت آدرس E-Mail شما سپاسگذاریم.

**dschamiat-kassel@live.de**